



ترجمه: یاسمین الخنساء

منبع: اینترنت

تناسخ در عقاید اپانیشادها

بود. اپانیشادها هدف غایی پیوند با خدایان (آگنی، ایندرا، و...) را که در نتیجه پیشکشی قربانیان اعلی حاصل می گردد، به کناری نهاده و سرنوشت نهایی بشر را در پیوند غیرفردی آتمان- برهمن دانسنتند. این اتحاد تنها از راه معرفت و شناختی پر رمز و راز به دست می آید.

در این قالب نو، کارما و تناسخ عناصر کلیدی هستند که تمام پیشرفت های خاص آتی هندوئیسم را به دست خواهند داد.

تناسخ در اپیک ها و پوراناها

در کتاب بهاگاواد گیتا قسمتی از مهابهاراتا - از کتب مقدس آیین هندو- مشخصاً از تناسخ به عنوان فرایند طبیعی زندگی که هر موجود فانی می بایستی بیماید، سخن گفته شده است.

تناسخ - سمسارا- طریق مناسب درو
ثمره و نتیجه اعمال فرد است. "خود"
می بایست به وجود مادی جدیدی وارد
شود و تا زمانی که تمام قروض کارمایی
آن پرداخت نشده، در آن سکنی گزینند

دست نوشته های اپانیشادها اولین نوشته هایی بودند که جایگاه "مرگ دوم" انسان را از بارگاهی آسمانی به این جهان خاکی انتقال داده و توضیح مناسب درک آن را، دست یابی به معرفت و آگاهی از "هویت آتمان- برهمن" دانستند. غفلت از "خود حقیقی" یا همان آتمان یا پروشا است که کارما - قانون علت و معلولی- را به عمل وا می دارد. اولین آثار آشکار شکل گیری این اعتقاد را می توان در "بریهادارانیکا اپانیشاد" مشاهده نمود:

"همانا، گوهرمرد را اعمالش متشکل است که نیکوکار، شریف و شرارتکار، پلید می گردد. محسن، به کردار نیک و مفسد، به کردار نا نیک نمایان می گردد."

تناسخ - سمسارا- طریق مناسب درو ثمره و نتیجه اعمال فرد است. "خود" می بایست به وجود مادی جدیدی وارد شود و تا زمانی که تمام قروض کارمایی آن پرداخت نشده، در آن سکنی گزینند:

"بدان که تولد و شکوفایی بدن همانا به قوه تفکر، لمس، بصر، احساسات و فراوانی اکل و شرب میسر است و بنا بر آن چه می کرد، آن "خود مجسم" همواره شکل های گونه گونی را می انگارد" (کتاب شوتاشواتارا اپانیشاد).

بر این اساس می توان یک تغییر بنیادی را- با آن چه در دیدگاه ودایی وجود دارد- در معنا و مفهوم "زندگی بعد" شاهد



کریشنا می گوید:

مجازات های مشابهی توسط "قوانین منو" - از کتب آیین هندو - مطرح شده است.

از آن جا که مقروضات کارمایی آدمی در گذشته بسیار است، یک دوره زندگی برای پرداخت آن کافی نمی نماید. لذا جهت دستیابی به آزادی "خود"، گردش در زندگی های متعدد اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

با چنین منطقی دخالت بیرونی یک خدا و یا یک گورو - رهبر مذهبی هندو - بی فایده است زیرا که نقش کارما را در تقدیر بشری به مخاطره می اندازد.

"به خاطر دار، هم چنان که خود (self) در جسم مادی اش از کودکی به جوانی و پیری، یک به یک ره می سپارد، پس از مرگ نیز به سوی جسمی دیگر پیش می رود. پس بدان آن کس که آگاه است ودانا، از مرگ سردرگم نمی گردد، زیرا که مرگ تنها تغییری است و تعویضی. هم چنان که لباس های کهنه را کناری نهاده و پوششی نو به تن می کنی، آن "خود" باقی و لایتناهی نیز، جسم پوسیده و نخ نما را رها کرده و بدنی نو بر می گزیند."

در پوراناها - یکی از کتب مقدس هندوئیسم - تأمل در این خصوص به شکلی بنیادی تر مطرح گردیده است و ارتکاب به گناهی خاص، عقوبت خاصی را نیز به دنبال خواهد داشت:

"همانا قاتل یک برهمن مسلول می گردد؛ هر کس گاوی را بکشد گوژ پشت و کودن می شود؛ و آن کس که باکره ای را به قتل رساند، به بیماری جذام گرفتار آید و هر سه مطرود و دربه در زاده شوند. آن که زنی را بکشد و جنین ها را نابود سازد، به انسانی وحشی و پرمرض تبدیل گردد. هر که نا مشروع آمیزش کند خواجه شود و آن که با زن معلمش همخوابه گردد، به مرض پوستی لاعلاج نایل آید. گوشتخوار، قرمزرو و مشروبخوار بی دندان شود. هر که غذا بدزدد، موشی کثیف و آن که غله برد، ملخ گردد. دزدعطر، سمور؛ دزدعسل، خرمگس؛ دزد گوشت، لاشخور و دزد نمک، مورچه شود.

آن کس که عادات پلید آموخته، خوک محلی و هر کس با زن بدکاره همنشینی کند، گاو نر وحشی گردد و آن که هیجانات جنسی و دنیوی داشته باشد، اسبی پر شهوت شود..."

این نشانه ها و تولدهای دیگر کارماهای مجسم و عینیت یافته ای هستند که خود در این دنیا ساخته اند. پس آنان که کارمای بد می پرورند، بعد از لمس زجر دوزخ، به همراه آن چه از گناهانشان باقی مانده است، دوباره به این اشکال متولد می شوند.



پس بدان آن کس که آگاه است ودانا، از مرگ سردرگم نمی گردد، زیرا که مرگ تنها تغییری است و تعویضی.



چه کسی و چه چیزی در آیین هندوئیسم تناسخ می کند؟

بنا بر عقاید اپانیساده‌ها و فلسفه ودانتا (Vedanta)، آن موجودیتی که تناسخ می کند، همان آتمان یا "خود غیر فردی" - ذات و واقعیت درون انسان - است.

البته از آن رو که آتمان دارای طبیعت فردی/شخصی نمی باشد، کاربرد ضمیر انعکاسی "خود" (self) برای توضیح آن مناسب نیست. آتمان تنها از طریق انکار و بی اثر کردن هر نوع ویژگی فردی قابل تعریف است.

اگرچه که آتمان لایه سفلی وجودی هستی بشر را تشکیل می دهد، نمی تواند حامل ترقی روحی فرد باشد. این نکته از آن جا ناشی می گردد که آتمان قادر به ضبط اطلاعات تولیدی در حیطه تخیلی/غیرمادی وجود روحی - ذهنی (psycho-mental) آدمی نمی باشد. ترقی روحی که فرد در جهت دستیابی به اتحاد

آتمان - برهمن در طول زمان انباشته می سازد، توسط کارما - ویا به بیان دقیق تر، توسط حداقل مقدار فرض کارمایی موجود - ضبط و نگهداری می گردد. تمام مجموعه جسمی و ذهنی که بشر از آن تشکیل شده بر حسب کارمای وی در هنگام تولد مجدداً ساخته می شود. در این مرحله، انسان از نو شکل گرفته، ثمره اعمال خود را در زندگی های پیشین تجربه می کند و می بایست تمام تلاش خود را جهت متوقف ساختن دور باطل اویدیا - کارما - سمسارا (avidya-karma-samsara) انجام دهد.

فلسفه ودانتا مفهوم "جسم مویین" یا "سوکشما - شریرا" را جهت توضیح و درک مکانیزم تناسخ اقتباس کرد. سوکشما - شریرا به آتمان متصل بوده و تا زمانی که پیوند آتمان باقی است به همان صورت می ماند. اگرچه "جسم مویین" نمی تواند به عنوان نگهدارنده و حافظ ویژگی های شخصی فرد عمل کند، اما دقیقاً همان موجودیتی است که حامل حقیقی قروض کارمایی می باشد.

لازم به ذکر است که ویژگی های شخصی، تمام عناصری است که در زندگی روحی-ذهنی آگاه و کنونی فرد وجود دارد. حقایقی که "جسم مویین" ضبط می کند، مجموعه ای از برداشت ها و تمایلات پنهانی است که توسط کارما-به عنوان بذرهایی که خصوصیات فردی و اخلاقی آینده فرد را تولید خواهند کرد- تثبیت شده است. این حقایق بدون این که فرد هیچگونه فهمی از موقعیت واقعی خود داشته باشد به طور ناخودآگاه در زندگی وی عینیت می یابند اما از آن جا که حافظه آگاه به دنیای تخیل تعلق داشته و پس از مرگ از بین می رود، هیچ گونه راهی برای انتقال آن از یک زندگی به زندگی دیگر وجود ندارد.

در سمخیا (samkhya) و یوگادارشانانا (yoga darshanas)، موجودیتی که تناسخ می کند پروشا - معادل آتمان- است. اگرچه یوگاسوترا (yoga sutra) همانند فلسفه ودانتا مکانیزم مشابهی از انتقال تأثیرات کارما از زندگی ای به زندگی دیگر به دست می دهد، اما با در نظر گرفتن دوگانگی مطلق بین مفهوم پروشا (روح) و پراکریتی (ماده) چیزی که متعلق به زندگی روحی-ذهنی است، نمی تواند از یک زندگی به دیگری راه یابد زیرا که به ماده یا همان پراکریتی- که رابطه ای مطلقاً تخیلی با پروشا دارد- وابسته می باشد. محل انباشت کارماهای فرد، "کارماشایا" نام دارد که پروشا را در اسفار زندگی همراهی می کند. کارماشایا معرف مجموعه برداشت هایی است که فرصت ظهور خود را در محدوده یک دوره زندگی به دست نیاورده است.

لازم به ذکر است از آن جا که کارماشایا هیچ گونه تشابهی با حیطة غیرمادی روحی-ذهنی ندارد، به هیچ رو نمی توان از آن به عنوان حافظه آگاه، مجموع اطلاعات هوشیار و یا هسته فردیت بشر یاد کرد.

این انباشتگاه تنها مکانیزمی جهت تنظیم تأثیر و تأثرات کارما در طی زندگی است که نوع تولد (جاتی)، طول عمر (ایو) و تجارب اجباری فرد در مدت زندگی (بهوگا) را به شکلی مکانیکی و غیر شخصی به وی دیکته می کند.

ادامه دارد

پی نوشت:

۱- از آتمان به عنوان ذات و واقعیت درون انسان و حقیقت عالم صغیر تعبیر شده و برهن روح کیهانی است.

